

بررسی عوامل مؤثر بر میزان تمایل اعضای هیأت علمی دانشگاه به اجرای طرح‌های پژوهشی

حسین بهروان

چکیده

مسئله اساسی تحقیق حاضر این است که چرا اعضای هیأت علمی گروه علوم انسانی کمتر از گروه غیر علوم انسانی اقدام به اجرای طرح پژوهشی در دانشگاه یا خارج می‌کنند. نتایج بررسی و تحقیق نشان داد که درک استادان از موانع اجرای طرح، انتظار سود و زیان از اجرای آن، تعریف پژوهش در رشته خود، نگرش به خصلت پژوهش در رشته خود، و بالاخره فرصت‌های موجود برای فعالیت علمی بر تمایل استادان به ارائه و اجرای طرح پژوهشی تاثیر داشته است.

کلید واژه‌ها: هیأت علمی، طرح پژوهشی، موانع پژوهش.

مقدمه

فعالیت علمی در سازمان اجتماعی علم به منزله یک کنش علمی است و عالم، کنشگری است که معنای رفتار او کشف حقیقت علمی و ارزشهای وابسته به آن است. امروزه در دانشگاه‌ها فعالیت علمی استادان، قلمرو گسترده و متنوعی را تشکیل داده است که در مجموع به دو دسته فعالیت آموزشی و پژوهشی تقسیم می‌شود. بنابراین دانشگاه‌ها به عنوان سازمانهای علمی، این دو هدف عمده را دنبال می‌کنند و از اعضای هیأت علمی انتظار می‌رود که در هر دو دسته از فعالیتها کوشا باشند. استادان یا کنشگران علمی در این سازمان برای انجام فعالیتهای علمی مانند کنشگران سایر نظامهای اجتماعی دست به انتخاب می‌زنند و در برخی زمینه‌های علمی

بیش از زمینه‌های دیگر فعالیت می‌کنند و این امر گاهی به صورت مسأله در سازمان علمی مطرح می‌شود که استادان دانشگاه کمتر به فعالیت پژوهشی و بیشتر به فعالیت آموزشی محض می‌پردازند.

از سوی دیگر، سازمان علمی فعالیتهای پژوهشی را به گونه خاصی تعریف و طبقه‌بندی می‌کند که یکی از عمده‌ترین تعاریف، اجرای طرحهای پژوهشی مصوب در دانشگاههاست و سالانه مبالغ قابل توجهی از بودجه و اعتبارات مالی دانشگاه صرف اجرای طرحهای پژوهشی مصوب می‌گردد. در این مقاله، عوامل مؤثر بر میزان تمایل اعضای هیأت علمی دانشگاهها به اجرای این گونه طرحهای پژوهشی از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی شده است و تمایل به این نوع فعالیت علمی به منزله کنش اجتماعی و دانشگاه به منزله نظام اجتماعی که نقشها، پایگاهها، اهداف و انگیزه‌ها، نگرشها، ارزشها و باورهای کنشگران را دربر گرفته، مورد تحلیل قرار گرفته است.

تعریف مسأله

بررسی آمار طرحهای پژوهشی مصوب و اجرا شده در دانشگاهها و مراکز پژوهشی کشور در سالهای مختلف نشان داده است که سهم رشته‌های علوم انسانی از این فعالیتهای به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از رشته‌های علوم طبیعی یا غیر علوم انسانی است. چنان که سرانه طرح پژوهشی انجام شده استادان دانشگاههای کشور در سال ۱۳۷۰ در گروه مهندسی ۰/۵۲، گروه علوم پایه ۰/۱۹، گروه کشاورزی ۰/۶۱ و گروه علوم انسانی کمتر از ۰/۰۸ طرح بوده است (معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۱۳۷۰).

این روند در سالهای آخر دهه ۱۳۷۰ تا حدود زیاد ادامه داشته است؛ به طوری که بر اساس آمار طرحهای پژوهشی جاری (در دست انجام) و تعداد اعضای هیأت علمی شاغل در دانشگاه فردوسی مشهد (که داده‌های اصلی این مقاله مربوط به آن است) در سال ۱۳۷۹، وضعیت سرانه تعداد طرحهای پژوهشی جاری مصوب دانشگاه و خارج دانشگاه در گروههای تخصصی دانشگاه فردوسی به شرح زیر بوده است:

گروه مهندسی ۰/۱۵، گروه علوم پایه ۰/۱۹، گروه کشاورزی ۰/۲۱ و گروه علوم انسانی ۰/۱۲. در مجموع سهم استادان گروه علوم انسانی در طول دهه اخیر از تعداد طرحهای پژوهشی جاری مصوب دانشگاهها و خارج آن به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از سایر گروههای غیر علوم انسانی است.

بنابراین مسأله اساسی تحقیق، که مطالب این مقاله مبتنی بر نتایج آن است، این بوده که چه عواملی بر میزان تمایل اعضای هیأت علمی گروه علوم انسانی و غیر علوم انسانی نسبت به اجرای طرحهای پژوهشی مصوب

دانشگاه و خارج آن مؤثر می‌باشد؟ لازم به ذکر است که این تحقیق در سال ۱۳۷۵ در دانشگاه فردوسی مشهد پایان یافته است، ولی همان طور که در بالا ذکر شد این مسأله همچنان در دانشگاهها ادامه دارد؛ اگر چه به طور نسبی ممکن است مسأله اندکی بهبود یافته باشد. لذا مطالب این مقاله می‌تواند علاوه بر اهمیت نظری از جهت کاربردی نیز حایز اهمیت باشد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

انگیزه این تحقیق برای محقق از مدت‌ها پیش فراهم شده است و ریشه در تفکر دوگانه علوم انسانی و علوم طبیعی (غیر علوم انسانی) دارد و به طور دقیق از مقایسه آمارهای آموزش عالی در سطوح مختلف و نگرش دوگانه رایج در جامعه درباره فراتری و فروتری علوم طبیعی در برابر علوم انسانی رشد کرده است. اهمیت ریشه‌یابی این مسأله در این است که نتایج تحقیق می‌تواند نگرش جامعه علمی را نسبت به فعالیت پژوهشی در گروههای تخصصی علوم انسانی بهبود بخشد، زیرا این نتایج نشان می‌دهد که تفاوت فعالیت کنشگران علمی به عوامل درون سازمان علمی مربوط است و کارکرد آشکار یا پنهان اجتماع علمی است و علوم را نمی‌توان ذاتاً به روشی موفق و ناموفق تقسیم کرد.

اهداف تحقیق

- ۱- توصیف تفاوت گروه علوم انسانی با غیر علوم انسانی از لحاظ متغیرهای گوناگون مربوط به سازمان درونی علمی؛ یعنی دانشگاه در ارتباط با اهداف، نقشها و پایگاهها، نگرشها، باورها و انگیزه‌های استادان.
- ۲- تبیین انگیزه یا تمایل استادان به انجام انواع فعالیتهای علمی در دانشگاه یا خارج آن از طریق ارائه مدل تئینی و تحلیل علی آماری و تعیین متغیرهای مؤثر بر آن تمایل.

پیشینه تحقیق

جوزف بن دیوید

از اولین کسانی که نقش عالمان را مورد بررسی و تحلیل قرار داد جوزف بن دیوید است. او معتقد است که انگیزه استادان عبارت است از علاقه ذاتی به درک حقیقت مقدس، کسب آبرو و افتخار یا چیزهای دیگر. کاربردی بودن علوم و استفاده از نتایج برای حل مسایل یکی دیگر از دلایل انگیزه فرد برای یادگیری و تحقیق

بوده است. امور آموزشی در اروپا در قرن ۱۳ زیر نظر کلیسا بوده است و بی نظمیها و خشونتها در مدارس باعث پیدایش تشکلات جدیدی^۱ گردید که زیر نظر دولت و کلیسا اداره می شد. در این تشکلات سازمانی، علم مطالعات و آموزش عالی از حلقه منزوی استادان و شاگران خارج شد و سازمان جدید پیدا کرد و برای اولین بار در قرن سیزدهم دانشجویان برای مطالعه نزد استاد نمی رفتند، بلکه به دانشگاه می رفتند و پایگاه استادان به فعالیت فکری و آموزشی درون نظام دانشگاهی وابسته شده از خدمات عملی برای عوام رهایی یافت و باعث تخصصی شدن علم و نقش عالمان گردید (بن دیوید، ۱۹۷۱: ۴۸-۴۵)

فلاسفه روشنگری

در قرن ۱۸ در اروپا عده ای از فلاسفه مانند دیدرو، دالابر، روسو و ولتر در فرانسه با ایجاد فرهنگستان جامع علوم، سنگری برای کوبیدن عقاید دیگران ایجاد کردند و فلسفه خود را فلسفه روشنگری اعلام نمودند. در این دوران بعضی بر نقش تدریس و بعضی بر اهمیت نقش تحقیق تأکید داشتند. نهایتاً همگی موافق بودند که دو امر تحقیق و تدریس باید مکمل هم باشد، لذا اعتقاد داشتند تحقیقات مستلزم سازمان خاصی متفاوت از سازمان آموزشی است (ریمون آرون، بی-یوید و نیگران، ۱۳۴۷: ۵-۲۲).

توماس کوهن

وی فعالیت علمی را محصول اجتماعی علمی و شبکه ارتباطات و روابط اجتماعی میان دانشمندان در رشته های معین می داند. این دیدگاه ابتدا در سال ۱۹۴۲ توسط میشل پولانی^۲ تنظیم شد و بعد توسط توماس کوهن توسعه یافت. در این دیدگاه اجتماع علمی جدا و منزوی از خارج است و هنجارها و هدفهای اجتماع علمی بوسیله وضعیت علم تعریف می شود؛ لذا اجتماع علمی با مقررات غیر رسمی کنترل می گردد و از این رو دیدگاه کوهن علم هنجاری^۳ نامیده شده است (کوهن، ۱۹۶۲: ۲۵).

^۱Corporations

^۲Michael polanyi

^۳normal science

جانانان کول

او نخستین کسی است که به تفاوت عالمان در محیط علمی پرداخته و قشربندی اجتماعی را در چگونگی انجام وظیفه علمی بررسی کرده است. وی این پرسش را مطرح نمود که آیا قشربندی عالمان مبتنی بر چگونگی انجام وظیفه علمی است یا تفاوت میان عالمان از فرآیند دستیابی آنان به موقعیتها و پایگاهها نشأت می‌گیرد؟ او تحقیقی در رشته فیزیک در آمریکا انجام داد و از فنون آماری، جداول دو بعدی، همبستگی، رگرسیون و تحلیل مسیر برای تحلیل نتایج استفاده نمود. کول به عوامل مؤثر بر رشد و توسعه علمی پرداخته است و این عوامل را از لحاظ منبع تأثیر و نوع تأثیر طبقه‌بندی کرده است و چهار دسته عوامل را نام برده است: دسته اول عواملی ذهنی درون نهاد علم؛ دسته دوم عوامل ذهنی بیرون نهاد علم؛ دسته سوم عوامل اجتماعی درون نهاد علم؛ دسته چهارم عوامل اجتماعی بیرون نهاد علم. نوع اول افکار گذشتگان را بر علم مؤثر می‌داند؛ نوع دوم نظامهای فکری خارج علم مانند افکار مذهبی را بر علم مؤثر می‌داند؛ نوع سوم مانند بن دیوید سازمان اجتماعی علم را بر رشد علم مؤثر می‌داند؛ نوع چهارم عوامل اقتصادی، سیاسی، مذهبی و سایر نهادهای خارج از محیط علم را بر رشد علم مؤثر می‌داند. کول مانند بن دیوید طرفدار نوع سوم است. رابرت مرتون، جامعه‌شناس علم و استاد کول نیز طرفدار نوع چهارم است. در قرن حاضر و در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ کسانی دیگر مانند دوروتی استیمسون^۱، مارثا اورنشتاین^۲ و کلارک^۳ از دیدگاه نوع چهارم طرفداری می‌کنند (کول، ۱۹۷۳: ۹۷).

چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری این تحقیق تلفیقی است از نظریات کارکردگرایی، کنش متقابل نمادین و رفتارگرایی. اصول و پیش‌فرضهای این نظریات بحث مفصلی است که در گزارش اصلی تحقیق آمده است و اکنون به نحوه ارتباط این نظریات با متغیرهای اساسی تحقیق اشاره مختصر می‌شود. از دیدگاه کارکردگرایی تمایل به فعالیت علمی متأثر از ساختار نقشها و پایگاهها و انتظارات نقشی است و کارکرد آشکار یا پنهان آن است. ساختار نهاد علم (دانشگاه) متشکل از اهداف و وسایل است و محقق برای

^۱ Dorothy Stimson

^۲ Martha Ornshtine

^۳ Clark

نیل به اهداف خود تحت فشار مجموعه هنجارها و عناصر نهادی قرار دارد و از وسایل گوناگون (ایفای نقشهای گوناگون) برای دستیابی به اهداف خود استفاده می کند. عدم تمایل بعضی استادان به اجرای طرحهای پژوهشی معلول ناسازگاری میان اهداف و وسایل در ساختار سازمانی دانشگاه است و نوعی عدم تعادل در سیستم موجود است. لذا انتخاب فعالیت تدریس اضافی ممکن است با اهداف محقق سازگار باشد، ولی با اهداف سازمان سازگاری ندارد و باعث کمبود وقت برای فعالیت پژوهشی می گردد؛ از این رو دارای کارکرد منفی برای پژوهش است (توسلی، ۱۳۷۰: ۲۲۰).

از دیدگاه کنش متقابل نمادین، تصمیم گیری فرد برای انجام فعالیت بستگی به تعریف وی از وضعیتها دارد، لذا معانی و نمادها نقش مهمی در انتخاب افراد دارد. توماس، صاحب نظر این دیدگاه، می گوید: اگر مردم وضعیت را واقعی تعریف کنند با نتایج آن هم به طور واقعی برخورد خواهند کرد. لذا کسانی که فعالیتهایی را پژوهش می دانند بیشتر به آنها می پردازند و فعالیتهایی را که پژوهش محسوب نمی کنند کمتر به آنها می پردازند (ریترز، ۱۹۸۳: ۲۱۴).

از دیدگاه رفتارگرایی، رفتار فرد تابع لذت و الم یا سود و زیان است. و نیز رفتار فرد تابع نیازهاست و فرد رفتارهایی را بیشتر تکرار می کند که بیشتر به نیازهای وی پاسخ دهد. معنای سود و زیان و نیز ارزش تفاضل سود و زیان در نظر افراد متفاوت است. لذا تفاوت در انواع فعالیتهای استادان را می توان به انگیزهها، منافع و نیازهای آنها مربوط دانست (همان: ۲۹۹).

تعاریف مفاهیم اساسی تحقیق

یک تئوری از تعدادی فرضیه که هر یک شامل تعدادی مفاهیم یا سازه است تشکیل می شود. بنابراین بُرد تئوری بستگی به وسعت مفهومی و نظری وسیع تر خواهد داشت (کرلینجر، ۱۳۷۷: ۶۲). در این تحقیق تعداد ۱۰ مفهوم کلی در قالب فرضیات چهارگانه مورد بررسی قرار گرفته است که هر یک حاوی چند بعد است. این ابعاد نیز حاوی چند معرف یا گویه یا سؤال پرسشنامه هستند که با استفاده از روش ماقبل تجربه با اقتباس از لازارسفلد و روش مطالعه اکتشافی و تجربه با اقتباس از هال تهیه و تنظیم شده است (لازارسفلد، ۱۹۷۲: ۶۲). روش ماقبل چنین بوده است که ابتدا محقق یک تصویر از قلمرو تئوریک ارائه می دهد که منعکس کننده تعدادی ویژگی است و این تصویر راه شروع ساختن مفهوم است. روش تجربی از طریق مشاهده رفتارهای

واقعی کنشگران علمی و گفتگو با آنها منجر به کشف ویژگیهای جزئی فراوان می‌شود که در مرحله بعد به صورت طبقه‌بندی شده و انتزاعی مفهوم سازی می‌گردد. اکنون تعریف مفهومی و عملیاتی مفاهیم به طور خلاصه بیان می‌شود. لازم به ذکر است که ابعاد این مفاهیم از طریق شیوه آماری تحلیل عوامل تعیین شده است:

۱- تعریف پژوهش: یعنی یک عضو هیأت علمی هر یک از فعالیتهای علمی را در رشته خود چقدر به عنوان فعالیت پژوهشی قبول دارد. این مفهوم دارای ۴ بعد است که مقیاس سنجش آنها رتبه‌ای است و از طریق پرسشهای ۱/۱ تا ۱/۲ سنجیده شده است.

۲- نگرش به خصلتهای تحقیق در رشته معین: یعنی عضو هیأت علمی چه تصور و برداشت کلی از خصلت عمده تحقیقات در رشته خود دارد و آن را با چه صفاتی توصیف می‌کند. این مفهوم دارای ۵ بعد است که از طریق مقیاس درجه بندی شده اسگود در سؤالات پرسشنامه به صورت زوج صفات متضاد سنجیده شده است.

۳- فرصتهای فعالیت علمی: این مفهوم دارای دو مؤلفه است: یکی امکان پرداختن به انواع فعالیتهای علمی و دوم میزان پرداختن به آنها در حال حاضر (زمان تحقیق). مؤلفه اول با عنوان امکان فعالیت و مؤلفه دوم با عنوان میزان فعالیت بیان شده است. مؤلفه اول دارای ۳ بعد و مؤلفه دوم دارای ۴ بعد است. این دو مؤلفه در سطح سنجش و گویه با معرف متناظر هستند و از طریق مقیاس رتبه‌ای سنجیده شده است. عنوان سؤال چنین بوده است که «در حال حاضر امکان انجام هر یک از فعالیتهای زیر برای شما چقدر فراهم است؟ در حال حاضر چقدر وقت خود را صرف انجام آن فعالیتها می‌کنید؟»

۴- اهداف فعالیت: یعنی اهداف معین چقدر برای استادان مهم است که برای دستیابی آنها فعالیت می‌نمایند. این مفهوم دارای ۳ بعد است و در سطح سنجش رتبه‌ای با سؤالات ۱/۴ تا ۴/۱۱ سنجیده شده است.

۵- انتظارات محقق از فواید و زیانهای اجرای طرح: یعنی اجرای طرح پژوهشی چه فواید و زیانهایی در نظر عضو هیأت علمی دارد و چقدر احتمال می‌دهد این فواید یا زیانها در اثر اجرای طرح برای کسی که انجام دهد وقوع یابد. این مفهوم دارای دو مؤلفه است: یکی فواید و دیگر زیانها. مؤلفه اول دارای ۲ بعد است که در سطح سنجش رتبه‌ای از طریق گویه ۵/۱ تا ۵/۱۱ سنجیده شده است و مؤلفه دوم دارای ۲ بعد است که در سطح سنجش رتبه‌ای از طریق گویه ۶/۱ تا ۶/۱۳ سنجیده شده است.

- ۶- باورها: یعنی عضو هیأت علمی چه باورهایی درباره ارائه، تصویب و اجرای طرح پژوهشی دانشگاه دارد. این مفهوم دارای ۲ بعد است که در سطح سنجش رتبه‌ای و مقیاس لیکرت از طریق گویه‌های ۷/۱ تا ۷/۷ سنجیده شده است.
- ۷- موانع: یعنی عضو هیأت علمی چه چیزهایی را مانع واقعی برای ارائه طرح پژوهشی توسط خود به دانشگاه می‌داند و اهمیت آنها چقدر است. این مفهوم دارای ۴ بعد است که از طریق سنجش رتبه‌ای و سؤالات ۸/۱ تا ۸/۱۴ سنجیده شده است.
- ۸- تلاش برای افزایش توان پژوهشی: منظور از این مفهوم سابقه تلاش و فعالیت به صورت ارائه طرح پژوهشی و اجرای آن و نیز اقداماتی در جهت افزایش توان علمی خود است و نیز داشتن این اعتقاد که اجرای طرح پژوهشی باعث افزایش مهارت و توان علمی وی می‌گردد. این مفهوم دارای سه بعد است که به صورت سؤال باز از تعداد طرحهای انجام شده و در حال انجام و نیز سؤالات دوگانه که نشان دهنده نوع اقدامات انجام شده وی برای افزایش توان علمی (بلی یا خیر) است و یک سؤال در سطح سنجش رتبه‌ای که نشان دهنده باور وی به تأثیر اجرای طرح پژوهشی در افزایش توان علمی است.
- ۹- پایگاههای اجتماعی، اقتصادی و علمی: شامل اطلاعات فردی، سازمانی، وضع اقتصادی، رشته تحصیلی، نوع مدرک و محل اخذ آن است. این متغیرها به صورت دوگانه در سطح سنجش فاصله‌ای و نسبی سنجیده شده‌اند.
- ۱۰- تمایل به فعالیت علمی و پژوهشی: این مفهوم به عنوان متغیر وابسته در این تحقیق بررسی شده است و منظور میزان علاقه و تمایل عضو هیأت علمی به انجام انواع فعالیتهای علمی و پژوهشی در دانشگاه و خارج آن می‌باشد. این مفهوم دارای ۳ بعد است: یکی شامل تمایل به اجرای طرح پژوهشی در دانشگاه و خارج آن؛ دوم شامل تمایل به فعالیتهای تألیف، ترجمه، تحقیقات کتابخانه‌ای. سوم شامل تمایل به تدریس اضافی و مسؤولیت اجرایی است. این متغیرها در سطح سنجش رتبه‌ای از طریق سؤالات ۱۳/۱ تا ۱۳/۶ سنجیده شده‌است.

روش تحلیل و آزمون فرضیات

در گزارش نهایی تحقیق سه فصل به تحلیل نتایج اختصاص یافته است. در یک فصل تفاوت‌های گروه علوم انسانی با غیر علوم انسانی از لحاظ مفاهیم ده گانه تحقیق به صورت جداول دویبعدی و بیان درصدها و همبستگی

کرامر یا پیرسون یا کندال و کی دو تحلیل و بررسی شده است. در فصل بعدی فرضیات تحقیق از طریق محاسبه ماتریس همبستگی بین شاخصهای مربوط به مفاهیم بالا آزمون شده است. در فصل آخر به محاسبه رگرسیون چند متغیری و تحلیل خطی و ساختن مدل علی پرداخته شده است. در این فصل دو نوع مدل علی از طریق تحلیل مسیر یا تحلیل خطی^۱ انجام شده است: یکی برای تبیین میزان تمایل به تحقیقات مراجع در علوم انسانی (تألیف، ترجمه و تحقیقات کتابخانه‌ای) و دوم برای تبیین میزان تمایل به ارائه طرح پژوهشی به دانشگاه یا خارج آن. در این مقاله برخی نتایج فصل اول تحلیل، یعنی مقایسه تفاوت درصد بین گروه علوم انسانی و غیر علوم انسانی و بیان تفاوت‌های معنادار از نظر آماری بیان خواهد شد و سپس مدل علی مربوط به عوامل مؤثر بر میزان تمایل به اجرای طرحهای پژوهشی مصوب در دانشگاه و خارج آن ارائه و تحلیل می گردد.

فرضیات

- ۱- تفاوت در «پایگاههای اجتماعی، اقتصادی، علمی» باعث تفاوت در «تعریف پژوهش»، «نگرش به خصلتهای تحقیق در رشته معین» و «فرصتهای فعالیت علمی» می گردد.
 - ۲- «تعریف پژوهش»، «نگرش به خصلتهای تحقیق» و «فرصتهای فعالیت علمی» بر «اهداف فعالیت»، «انتظارات محقق از فواید یا زیانهای اجرای طرح» و «باورها» و «موانع مربوط به ارائه طرح» تأثیر دارد.
 - ۳- «اهداف فعالیت»، «انتظارات محقق از فواید یا زیانهای اجرای طرح» و «باورها» و «موانع مربوط به ارائه طرح» با هم همبستگی دارند.
 - ۴- «اهداف فعالیت»، «انتظارات محقق از فواید یا زیانهای اجرای طرح»، «باورها» و «موانع مربوط به ارائه طرح» بر «تلاش محقق برای افزایش توان پژوهشی» و «تمایل به انواع فعالیت علمی و پژوهشی» مؤثر است.
- فرضیه بالا نشان دهنده یک نظام منطقی از مفاهیم است که به طور علی بهم وابسته هستند (بالاک، ۱۹۷۲: ۶) و پدیده «تمایل به انواع فعالیتهای علمی و پژوهشی» را به عنوان معلول یا متغیر وابسته تعیین می کنند. بنابراین می توان آن را به منزله یک تئوری تبیینی برای توجیه مسأله تمایل یا عدم تمایل استادان به انواع فعالیتهای علمی و پژوهشی در دانشگاه که یکی از ابعاد آن تمایل به اجرای طرحهای پژوهشی مصوب دانشگاه یا خارج آن است، دانست. لازم به یادآوری است که در این مقاله فقط همین بعد از تئوری بالا مورد بحث قرار می گیرد و

^۱ Path analysis

بخشی از آزمون فرضیات که به طور فشرده نشان دهنده آن است بیان خواهد گردید. بقیه مطالب که در گزارش نهایی تحقیق به تفصیل در شش فصل بیان گردیده در این مختصر نمی گنجد.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع پیمایشی تبیینی است که با استفاده از چارچوبهای نظری جامعه‌شناسی و به کمک اطلاعات و داده‌های تجربی به دست آمده از دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۱۳۷۵ انجام شده است.

جامعه آماری

شامل کلیه استادان دانشگاه فردوسی است که در زمان جمع‌آوری اطلاعات (۱۳۷۵) شاغل بوده‌اند. حجم نمونه: تعداد ۱۶۸ نفر عضو هیأت علمی با استفاده از فرمول کوکران با ویژگیهای زیر تعیین شده است:

$$n = \frac{t^2 \cdot p \cdot q}{d^2} = 168$$

$$1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 \cdot p \cdot q}{d^2} - 1 \right)$$

t=احتمال صحت گفتار در سطح ۹۵/۵ درصد

p=احتمال وجود صفت در جامعه معادل ۰/۵۰

q=احتمال عدم صفت در جامعه معادل ۰/۵۰

d=فاصله اطمینان یا کران خطای نمونه‌گیری معادل ۰/۰۶۵

N=تعداد اعضای جامعه آماری معادل ۵۷۵ نفر

روش گزینش نمونه

اعضای نمونه از طریق نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده متناسب با حجم طبقه^۱ و انتخاب تصادفی^۱ اعضای هیأت علمی از فهرست اسامی استادان هر گروه تخصصی (دانشکده) تعیین شده است؛ لذا همگی اعضای جامعه آماری در همه رشته‌ها و دانشکده‌ها برای انتخاب شدن در نمونه، دارای شانس مساوی بوده‌اند.

^۱Proportionate stratified sampling

روش جمع‌آوری اطلاعات

پس از تعیین شاخصها و معرفیها و تهیه پرسشنامه استاندارد ابتدا پرسشنامه در مقیاس محدود ۲۰ نفر اجرا شد و پس از بررسی و استخراج آن اصلاحات لازم به عمل آمد و سپس در سطح جامعه نمونه اجرا گردید. پرسشنامه دارای بخشهای مختلف بوده است و هر بخش به معرفیهای شاخص معین از مفاهیم اساسی تحقیق مربوط شده است. پرسشها عمدتاً بسته و استاندارد بوده است و به شیوه کدگذاری شده و ماشینی تهیه گردیده است.

روایی و پایایی پرسشنامه

برای سنجش روایی^۱ یعنی تعیین این که پرسشها تا چه حد ابعاد مفاهیم و متغیرهای اساسی تحقیق را می‌سنجد و با هدف تحقیق انطباق دارد، از دو روش استفاده شده است. اول روایی صوری^۳ (Nachmias, 1976: 60) که از طریق قضاوت داوران و کارشناسان امور پژوهشی دانشگاه و تعدادی از استادان گویه‌های مربوط به هر یک از مفاهیم مورد بررسی قرار گرفت و اصلاحات لازم به عمل آمد؛ دوم از طریق شیوه آماری تحلیل عوامل^۴ یا به عبارت دیگر، روایی سازه^۵ گویه‌ها مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آن در مورد تمامی مفاهیم اساسی تحقیق گویای این واقعیت بوده است که گویه‌های مربوط به هر سازه معنای مشترکی داشته‌اند و به هدف سنجش مربوط بوده‌اند و در مورد متغیر تابع تحقیق، یعنی تمایل به اجرای طرح پژوهشی، بارهای عاملی دو متغیر زیر در یک دسته قرار گرفته و معنای مشترکی را نشان می‌دهد که مقدار ضریب همبستگی آنها بالاست:

تمایل به ارائه طرح پژوهشی خارج دانشگاه	ضریب همبستگی عامل ۰/۸۸
تمایل به ارائه طرح پژوهشی دانشگاه	ضریب همبستگی عامل ۰/۸۷

- 1- random
- 2-Validity
- 3-face Validity
- 4-factor analysis
- 5-construct Validity

برای سنجش پایایی^۱ یعنی این معنا که اگر آزمون تکرار شود آیا نتیجه یکسان خواهد بود یا نه، از روش محاسبه آلفای کراباخ استفاده شده که مقادیر آن در گزارش نهایی به تفصیل بیان شده است. این ضریب در مورد متغیر تابع ۰/۷۴ بوده است که بالاتر از میزان حداقل قابل قبول (۰/۷۰) می باشد.

یافته‌های تحقیق

همان طور که قبلاً اشاره شد، در این مقاله به دو پرسش اساسی بر اساس یافته‌های تحقیق پاسخ داده می شود: اول وجوه تفاوت بین اعضای هیأت علمی گروه علوم انسانی با غیر علوم انسانی از لحاظ متغیرهای تحقیق؛ دوم بیان رابطه عوامل و متغیرهای تحقیق با تمایل اعضای هیأت علمی به ارائه طرحهای پژوهشی مصوب دانشگاه و خارج آن. در پایان نحوه تأثیر و تأثر عوامل مؤثر بر تمایل به ارائه طرحهای پژوهشی از طریق مدل تحلیل مسیر نیز بیان خواهد شد.

وجوه تفاوت بین اعضای هیأت علمی

اکنون این پرسش مطرح و پاسخ داده می شود که اعضای هیأت علمی گروه علوم انسانی چه تفاوتهایی از لحاظ متغیرهای مورد بررسی با گروه غیر علوم انسانی دارند. هر یک از مفاهیم تحقق ابعاد و معرفیهای گوناگون دارد و در این جا برای رعایت اختصار فقط به تفاوتهای معنادار از لحاظ آماری اکتفا می شود و فقط به میزان تفاوت درصد در هر مورد اشاره می کنیم.

۱- تمایل به ارائه طرح پژوهشی

نتایج تحقیق نشان می دهد که تفاوت معناداری بین اعضای هیأت علمی گروه علوم انسانی با غیر علوم انسانی از لحاظ میزان تمایل به ارائه طرح پژوهشی مصوب دانشگاه و خارج آن و نیز میزان تمایل به تألیف وجود دارد. لیکن از نظر میزان تمایل به تدریس و ترجمه و تحقیقات کتابخانه‌ای تفاوتها معنادار نبوده است. چنان که ملاحظه می شود اعضای هیأت علمی گروه علوم انسانی به میزان ۸۱/۷ درصد تمایل متوسط یا زیاد به ارائه طرح پژوهشی به دانشگاه دارند و در مقابل اعضای گروه غیر علوم انسانی ۸۷/۵ درصد تمایل متوسط یا

زیاد به ارائه این نوع طرح دارند و ضریب همبستگی گروه تخصصی با میزان تمایل به ارائه طرح به دانشگاه ۰/۲۷ است.

در مجموع میزان تمایل اعضای هیأت علمی به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه کمتر از دانشگاه است، ولی در این مورد نیز تفاوت معناداری بین گروه علوم انسانی و غیر علوم انسانی دیده می‌شود؛ بطوری که ۶۱ درصد گروه علوم انسانی در مقابل ۸۲/۶ درصد گروه غیر علوم انسانی تمایل متوسط یا زیاد به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه دارند، ولی میزان همبستگی گروه تخصصی با میزان تمایل اخیر شدیدتر و معادل ۰/۳۳ است.

در مورد میزان تمایل به تألیف تفاوت معنادار است، ولی میزان تمایل اعضای گروه علوم انسانی بیشتر از گروه غیر علوم انسانی است چنان که ۹۶/۶ درصد استادان علوم انسانی در مقابل ۸۵/۶ درصد استادان غیر علوم انسانی به فعالیت تألیف در حد متوسط یا زیاد اظهار تمایل نموده‌اند. شدت همبستگی گروه تخصصی با تمایل به تألیف ۰/۲۷ است.

۳- تفاوت در تعریف پژوهش

اعضای گروه علوم انسانی در شش مورد از دوازده مورد در تعریف پژوهش با اعضای گروه غیر علوم انسانی تفاوت معنادار دارند. چنان که اعضای گروه علوم انسانی فعالیت نقد یا تصحیح را ۶۲/۷ درصد، ترجمه کتاب را ۵۸/۱ درصد، کار میدانی را ۷۳/۶ درصد و ترجمه مقاله را ۴۹/۴ درصد به میزان زیاد به عنوان پژوهش ول دارند. در حالی که این نسبتها برای اعضای غیر علوم انسانی به ترتیب ۴۲/۲ درصد، ۳۶/۸ درصد، ۶۵/۵ درصد و ۳۳/۳ درصد است.

از طرف دیگر اعضای گروه غیر علوم انسانی فعالیت اجرای طرح پژوهشی را ۹۵/۸ درصد و همکاری با ح پژوهشی را ۸۰/۶ درصد به میزان زیاد به عنوان پژوهش قبول دارند؛ در حالی که این نسبتها برای اعضای گروه علوم انسانی به ترتیب ۷۶/۵ درصد و ۴۶/۹ درصد است.

۳- تفاوت در نگرش به خصلت پژوهش در رشته خود

اعضای علوم انسانی درده مورد از شانزده مورد خصلت پژوهشهای رشته خود را متفاوت از خصلت پژوهش سایر رشته‌ها می‌دانند. چنان که آنان تحقیقات خود را بیشتر دارای این خصلتها می‌دانند (میزان تفاوت درصد در پراتر ذکر شده است): فردی (۱۸/۹ درصد تفاوت)، سلیقه‌ای (۱۸/۴ درصد تفاوت). از طرف دیگر اعضای گروه غیر علوم انسانی خصلتهای زیر را برای تحقیقات خود بیشتر اعلام کرده‌اند: عملی (۳۴/۴ درصد تفاوت)، کاربردی (۳۱/۱ درصد تفاوت)، عملیاتی (۴۸/۵ درصد تفاوت)، عینی (۲۷/۶ درصد تفاوت)، پرهزینه (۴۲/۶ درصد تفاوت)، ملموس (۲۲/۳ درصد تفاوت)، پیچیده (۲۰/۲ درصد تفاوت)، بسیار تخصصی (۱۲/۴ درصد تفاوت).

۴- احتمال وقوع زیان در اثر اجرای طرح پژوهشی

اعضای گروه علوم انسانی در مجموع زیانهای احتمالی بیشتری را در اثر اجرای طرح پیش‌بینی می‌کنند. چنان که آنان ۱۷/۳ درصد بیشتر از گروه غیر علوم انسانی اجرای طرح را باعث عدم استراحت می‌دانند و نیز به میزان ۱۷/۶ درصد بیشتر از گروه غیر علوم انسانی اجرای طرح پژوهشی را باعث انزوای دیگران می‌دانند.

۵- تفاوت در باورها راجع به اجرای طرح پژوهشی

اعضای گروه علوم انسانی در دو مورد از هفت مورد باورهای مغایر با اجرای طرح پژوهشی را بیشتر قبول دارند تا اعضای گروه غیر علوم انسانی؛ چنان که میزان موافقت اعضای گروه علوم انسانی بیشتر از غیر علوم انسانی بوده است:

- داشتن انتشارات و تألیفات مستمتر از ارائه طرح پژوهشی است (۱۴/۱ درصد تفاوت)
- مطالعه برای تدریس در واقع خود، تحقیق است (۲۳/۹ درصد تفاوت)

۶- تفاوت در امکان انجام فعالیتها

اعضای گروه علوم انسانی در دو مورد از نه مورد امکانات متفاوتی از نظر انجام فعالیتها در اختیار داشته‌اند. چنان که اعضای گروه علوم انسانی بیشتر از غیر علوم انسانی امکان تدریس اضافی در اختیار داشته‌اند (۲۸

درصد تفاوت) و اعضای گروه غیر علوم انسانی بیشتر از علوم انسانی امکان اجرای طرح پژوهشی در خارج دانشگاه را در اختیار داشته‌اند (۲۰/۶ درصد تفاوت).

۷- تفاوت در انجام فعالیتها

اعضای گروه علوم انسانی در چهار مورد از نه مورد از نظر میزان انجام فعالیتها و صرف وقت خود در آنها با گروه غیر علوم انسانی تفاوت داشته‌اند. چنان که اعضای گروه علوم انسانی به فعالیت تألیف (۲۲/۹ درصد تفاوت) و به فعالیت تدریس اضافی (۱۹/۱ درصد تفاوت) بیشتر پرداخته‌اند تا گروه غیر علوم انسانی. از طرف دیگر، اعضای گروه غیر علوم انسانی به فعالیت اجرای طرح پژوهشی در دانشگاه (۱۱/۹ درصد) و به فعالیت اجرای طرح پژوهشی در خارج دانشگاه (۱۱/۸ درصد) بیشتر پرداخته‌اند تا گروه علوم انسانی.

۸- تفاوت در تلاش برای افزایش توان پژوهشی

اعضای گروه علوم انسانی در چهار مورد از هشت مورد تفاوت معناداری با گروه غیر علوم انسانی از نظر شاخصهای تلاش برای افزایش توان پژوهشی خود دارند چنان که اعضای گروه غیر علوم انسانی تلاش بیشتری در زمینه‌های زیر به قصد افزایش توان پژوهشی خود داشته‌اند تا گروه علوم انسانی. مشاهده اجرای طرح توسط دیگران و برقراری تماس با مجریان طرحها (۲۲/۷ درصد تفاوت)، همکاری با مجریان طرحها (۲۶/۷ درصد تفاوت)، اقدام به اجرای طرح (۱۸/۶ درصد تفاوت)، کنجکاوی و بررسی ذهنی (۱۸/۱ درصد تفاوت). در مجموع می‌توان گفت مهم ترین تلاشهای اعضای هیأت علمی به تفکیک گروه علوم انسانی و غیر علوم انسانی برای افزایش توان علمی و پژوهشی خود به ترتیب در سه زمینه زیر بوده است: مطالعه منابع مکتوب (۸۳/۵ درصد)، کنجکاوی و بررسی ذهنی (۷۸/۹ درصد)، اعتقاد داشتن به تأثیر اجرای طرح بر افزایش توان پژوهشی آنان (۷۵/۳ درصد).

اعضای گروه غیر علوم انسانی در زمینه‌های زیر بیشترین تلاش را نموده‌اند:

کنجکاوی و بررسی ذهنی (۹۷ درصد)، مطالعه منابع مکتوب (۹۱/۴ درصد)، اعتقاد به تأثیر اجرای طرح بر ایش توان پژوهشی (۸۲/۲ درصد). لازم به ذکر است که تفاوت درصدها در زمینه مطالعه و اعتقاد معنادار ده است).

۹- تفاوت در موانع ارائه طرح به دانشگاه

اعضای گروه علوم انسانی در دو مورد از چهارده مورد تفاوت معناداری با گروه غیر علوم انسانی از لحاظ احساس مانع برای اجرای طرح پژوهشی در دانشگاه دارند. چنان که اعضای گروه علوم انسانی نداشتن وقت کافی (۹/۷ درصد تفاوت) و اعضای گروه غیر علوم انسانی کمبود مواد و ابزار (۲۹/۲ درصد تفاوت) را مانع عمده برای خود می‌دانند.

۱۰- تفاوت در پایگاههای اجتماعی، اقتصادی و علمی

اعضای گروه علوم انسانی در شش مورد از پانزده مورد از نظر پایگاه اجتماعی، اقتصادی و علمی با گروه غیر علوم انسانی تفاوت دارند. چنان که اعضای گروه علوم انسانی سابقه خدمت بیشتر (۱۵/۵ درصد تفاوت) و نوع مسکن ملکی بیشتر (۱۳/۳ درصد تفاوت) دارند و نسبت زنان در بین آنان اندکی بیشتر از گروه غیر علوم انسانی است (۷/۵ درصد تفاوت).

از طرف دیگر، این تفاوتها در دو گروه علوم انسانی و غیر علوم انسانی محسوس است. چنان که اعضای گروه غیر علوم انسانی تمایل به طرح پژوهشی پایین یافته بیشتر (۲۷/۸ درصد تفاوت) و نیز تعداد طرح پژوهشی در حال اجرای بیشتر (۷/۸ درصد تفاوت) و بالاخره تعداد طرح متوقف بیشتر (۷/۲ درصد تفاوت) دارند تا گروه علوم انسانی.

عوامل مؤثر بر تمایل به ارائه طرح پژوهشی

پس از بررسی تفاوتهای موجود بین اعضای گروه علوم انسانی و غیر علوم انسانی از لحاظ متغیرهای مختلف اکنون این پرسش مطرح و پاسخ داده می‌شود که از میان عوامل (مفاهیم) مورد بررسی در این تحقیق کدام عوامل و در هر عامل کدام متغیرها (معرفها) در بین اعضای هیأت علمی مورد بررسی (شامل هر دو گروه علوم انسانی و غیر علوم انسانی) با میزان تمایل به ارائه طرح پژوهشی به دانشگاه و خارج آن ارتباط و همبستگی دارد. ابتدا به بررسی میزان ارتباط عوامل مختلف با تمایل به ارائه طرح پژوهشی به دانشگاه اشاره می‌شود و سپس عوامل مربوط به تمایل به ارائه طرح پژوهشی در خارج دانشگاه پرداخته خواهد شد.

عوامل مؤثر بر تمایل به ارائه طرح پژوهشی به دانشگاه

این عوامل شامل مفاهیم اساسی تحقیق است که هریک دارای ابعاد مختلف و هر بعد دارای معرفهای متفاوت است. برای بررسی تأثیر این عوامل، رابطه همبستگی رتبه‌ای کندال در سطح معرفها محاسبه گردیده است و ضریب همبستگی و سطح معناداری آن برای متغیرهایی که از نظر آماری همبستگی معنادار با متغیر تابع (تمایل به ارائه طرح) داشته‌اند در جدول شماره یک بیان شده است، لذا متغیرهایی که ذکر نشده همبستگی معنادار نداشته‌اند.

با مراجعه به جدول شماره یک می‌توان گفت همه مفاهیم یا عوامل اصلی مورد بررسی در این تحقیق در سطح برخی از معرفها همبستگی معنادار با میزان تمایل به ارائه طرح پژوهشی داشته‌اند اگرچه بسیاری از معرفهای هر مفهوم به دلیل عدم همبستگی حذف شده که به دلیل رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری گردیده است. اکنون توضیح مختصری درباره این عوامل داده می‌شود، بدین صورت که می‌توان گفت گزاره‌های زیر از آزمون رد عبور کرده و تأیید شده است:

- ۱- کسانی که اجرای طرح پژوهشی و همکاری با آن را بیشتر به عنوان پژوهش قبول دارند تمایل بیشتری به ارائه طرح پژوهشی به دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۲- کسانی که خصلت پژوهش در رشته خود را بیشتر عملی، کاربردی و عملیاتی می‌دانند تمایل بیشتری به ارائه طرح به دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۳- کسانی که مجری طرحهای پژوهشی در دانشگاه هستند و صرف وقت بیشتری برای آن می‌کنند، تمایل بیشتری به ارائه طرح به دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۴- کسانی که مایلند برای هدف ارتقای مرتبه بیشتر فعالیت کنند تمایل بیشتری به ارائه طرح به دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۵- کسانی که فایده اجرای طرح پژوهشی را بیشتر خدمت به پیشرفت علم می‌دانند تمایل بیشتری به ارائه طرح به دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۶- کسانی که زیان اجرای طرح پژوهشی را بیشتر، زحمت مطالعه زیاد می‌دانند تمایل بیشتری به ارائه طرح به دانشگاه دارند و بالعکس؛

- ۷- کسانی که با این باور که «مطالعه برای تدریس، درواقع خود، تحقیق است» بیشتر مخالف بوده‌اند تمایل بیشتری به ارائه طرح به دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۸- کسانی موانع اجرای طرح در دانشگاه را بیشتر کمبود مواد و ابزار و نیز کمبود منابع مکتوب می‌دانند تمایل بیشتری به ارائه طرح به دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۹- کسانی که تلاش بیشتری برای افزایش توان پژوهشی خود به صورت اقدام به اجرای طرح پژوهشی و شرکت در کلاس روش تحقیق نموده‌اند، تمایل بیشتری به ارائه طرح به دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۱۰- کسانی که جوان‌تر هستند تمایل بیشتری به ارائه طرح پژوهشی به دانشگاه دارند تا افراد مسن‌تر؛
- ۱۱- کسانی که سابقه طرح پایان یافته بیشتری دارند تمایل بیشتری به ارائه طرح به دانشگاه دارند و بالعکس.

جدول ۱: رابطه عوامل مختلف با تمایل به ارائه طرح پژوهشی به دانشگاه

ردیف	مفهوم	معرف	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	تعریف پژوهش	اجرای طرح پژوهشی	۰/۲۵	۰/۰۰۰۸
		همکاری با طرح پژوهشی	۰/۲۴	۰/۰۰۱
۲	خصلت پژوهش	عملی	۰/۳۶	۰/۰۰۰
		کاربردی	۰/۲۲	۰/۰۰۷
		عملیاتی	۰/۴۰	۰/۰۰۰
۳	میزان فعالیت	اجرای طرح پژوهشی در دانشگاه	۰/۲۶	۰/۰۰۰۵
۴	اهداف فعالیت	ارتقای مرتبه دانشگاهی	۰/۲۷	۰/۰۰۰۳
۵	فایده اجرای طرح	خدمت به پیشرفت علم	۰/۲۳	۰/۰۰۲
۶	زیان اجرای طرح	زحمت مطالعه زیاد	۰/۱۶	۰/۰۰۳
۷	باور مربوط به ارائه طرح پژوهشی به دانشگاه	مطالعه، برای تدریس، درواقع خود، تحقیق است (مخالف)	۰/۲۲	۰/۰۰۳
۸	موانع اجرای طرح	کمبود ابزار و مواد	۰/۲۴	۰/۰۰۳
		کمبود منابع مکتوب	۰/۲۱	۰/۰۰۵
۹	تلاش برای افزایش توان پژوهشی	اقدام به اجرای طرح پژوهشی	۰/۳۰	۰/۰۰۳
		شرکت در کلاس روش تحقیق	۰/۲۳	۰/۰۰۳
۱۰	پایگاه اجتماعی	سن	-۰/۲۶	۰/۰۰۰۶
۱۱	پایگاه پژوهشی	سابقه طرح پایان یافته	۰/۲۴	۰/۰۰۱

عوامل مؤثر بر تمایل به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه

جدول شماره دو این عوامل را نشان داده است و گزاره‌های زیر از آزمون رد عبور گردیده و تأیید هاست:

کسانی که ترجمه کتاب را کمتر پژوهش می‌دانند و نقد یا تصحیح و نیز همکاری با طرح پژوهشی را بیشتر پژوهش می‌دانند تمایل بیشتری به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه دارند و بالعکس؛ کسانی که خصلت پژوهش در رشته خود را بیشتر علمی، کاربردی و عملیاتی می‌دانند، تمایل بیشتری به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه دارند و بالعکس؛

- ۳- کسانی که هدف فعالیتهای خود را بیشتر کسب موفقیت و نیز ارضای حس کنجکاوی می‌دانند تمایل بیشتری به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۴- کسانی که فایده اجرای طرح پژوهشی در دانشگاه را بیشتر رضایت خاطر و نیز ارضای حس کنجکاوی می‌دانند، تمایل بیشتری به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۵- کسانی که زیان اجرای طرح پژوهشی در دانشگاه را بیشتر زحمت مطالعه زیاد و نیز بیشتر اشتغال ذهنی زیاد می‌دانند تمایل بیشتری به ارائه طرح به خارج دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۶- کسانی که با این باور بیشتر موافقت که «محققین از نظر سیاسی و اجتماعی به طور کافی حمایت نمی‌شوند» تمایل بیشتری به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۷- کسانی که برای اجرای طرح پژوهشی در دانشگاه بیشتر ضوابط ارائه طرح به دانشگاه و نیز بیشتر ضوابط اجرای طرح در دانشگاه را مانع خود می‌دانند، تمایل بیشتری به ارائه طرح به خارج از دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۸- کسانی که تلاش بیشتری برای افزایش توان پژوهشی خود به صورت اقدام به اجرای طرح پژوهشی و نیز همکاری با طرح پژوهشی نموده‌اند؛ تمایل بیشتری به ارائه طرح پژوهشی به خارج از دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۹- کسانی که جوان تر هستند بیشتر از افراد مسن تر و کسانی که عضو گروه غیر علوم انسانی هستند بیشتر از علوم انسانی تمایل به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۱۰- کسانی که تعداد طرح پژوهشی در حال اجرا در خارج دانشگاه بیشتر دارند، تمایل بیشتری به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۱۱- کسانی که تعداد طرح پایان یافته بیشتری در خارج دانشگاه دارند تمایل بیشتری به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه دارند و بالعکس؛
- ۱۲- کسانی که عضو گروه غیر علوم انسانی هستند بیشتر از اعضای گروه علوم انسانی تمایل به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه دارند.

جدول ۲: رابطه عوامل مختلف با تمایل به ارائه طرح پژوهشی به خارج دانشگاه

ردیف	مفهوم	معرف	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۱	تعریف پژوهش	ترجمه کتاب	-۰/۱۷	۰/۰۲
		نقد یا تصحیح	۰/۱۶	۰/۰۲
		همکاری با طرح پژوهشی	۰/۲۹	۰/۰۰۰۲
۲	خصلت پژوهش	عملی	۰/۳۱	۰/۰۰۰۴
		کاربردی	۰/۲۴	۰/۰۰۴
		عملیاتی	۰/۳۴	۰/۰۰۰۱
۳	اهداف فعالیت	کسب موفقیت	۰/۳۱	۰/۰۰۰۱
		ارضای حس کنججوی	۰/۲۳	۰/۰۰۲
		رضایت خاطر	۰/۳۱	۰/۰۰۰۱
۴	فواید اجرای طرح پژوهشی	ارضای حس کنجکاوی	۰/۳۰	۰/۰۰۰۱
		زحمات مطالعه زیاد	۰/۱۹	۰/۰۱
		توانایی زیاد	۰/۱۷	۰/۰۰۰۶
۵	زیانهای اجرای طرح پژوهشی	محققین از نظر سیاسی و اجتماعی بطور کافی حمایت نمی شوند (موافق)	-۰/۲۰	۰/۰۰۶
		ضوابط ارائه طرح به دانشگاه	۰/۱۳	۰/۰۵
		ضوابط اجرای طرح در دانشگاه	۰/۲۷	۰/۰۰۴
۶	موانع اجرای طرح	اقدام به اجرای طرح پژوهشی	۰/۳۵	۰/۰۰۰
		همکاری با طرح پژوهشی	۰/۲۶	۰/۰۰۱
		تعداد طرح در حال اجرا در خارج دانشگاه	۰/۲۲	۰/۰۰۳
۷	تلاش برای افزایش توان پژوهشی	تعداد طرح پایان یافته در خارج دانشگاه	۰/۲۲	۰/۰۰۳
		سن	-۰/۲۳	۰/۰۰۲
		گروه تخصصی	۰/۳۲	۰/۰۰۰
۸	پایگاههای اجتماعی، علمی پژوهشی	(علوم انسانی=۱، غیر علوم انسانی=۲)		

نتیجه گیری و تبیین علی تمایل به ارائه طرح پژوهشی

آنچه تا کنون درباره عوامل موثر بر تمایل به ارائه طرح پژوهشی به دانشگاه یا به خارج از آن گفتیم نتایج بررسی در سطح معرفهای مفاهیم اساسی تحقیق بود و نشان دادیم در اغلب مفاهیم، برخی معرفها رابطه همبستگی معناداری با تمایل به ارائه طرح دارند. اکنون این عوامل در سطح شاخصهای کلی (indice) مفاهیم مزبور بررسی می شود و برای بیان تاثیر مستقیم و غیر مستقیم عوامل از مدلهای رگرسیون آماری و تحلیل مسیر^۱ استفاده می گردد. در مدل علی که نمودار آن ذیلا نشان داده می شود، رابطه مفاهیم ده گانه تحقیق از طریق سه مدل رگرسیونی با متغیر تابع اصلی، یعنی میزان تمایل به ارائه طرح پژوهشی (به دانشگاه یا خارج) بررسی شده است. ملاحظه می شود در میان عوامل مختلف، تنها و مهمترین عاملی که به طور مستقیم تعیین کننده میزان تمایل به اجرای طرح پژوهشی است درک در میان عوامل مختلف دوازده گانه بر تمایل به تحقیق دارد. و آن تنها عاملی است که تاثیر مستقیم بر تمایل به تحقیق دارد. تاثیر سایر عوامل مدل غیر مستقیم است که به ترتیب اهمیت عبارتند از: تاثیر غیر مستقیم فوائد (۰/۵۹) تاثیر غیر مستقیم زیان (۰/۳۸) تاثیر غیر مستقیم تعریف پژوهش (۰/۲۶) و تاثیر غیر مستقیم پایگاه اقتصادی (ی ۰/۱۴). عوامل دیگری که در مدل ظاهر نشده است در واقع در کنار این عوامل تاثیر معناداری بر پدیده مورد بررسی نداشته اند. ضمنا خطای پیش بینی مدل بالا (۰/۷۸) است؛ یعنی که این مقدار واریانس پدیده مورد بررسی مربوط به متغیرهایی است که در مدل وارد نشده اند.

مدل علی تبیین تمایل به اجرای طرح پژوهشی دانشگاه و خارج از آن

اولین عامل تبیین کننده تمایل به اجرای طرح پژوهشی درک استادان از موانع اجرای طرح پژوهشی در دانشگاه است که ضریب تاثیر آن (Beta) بر تمایل ۴۹ درصد است؛ یعنی کسانی تمایل بیشتر به اجرای پژوهشی به طور کلی دارند که موانع بیشتری برای اجرای طرح در دانشگاه احساس می کنند، گرچه عملا این موانع، آنان را از اقدام به ارائه طرح پژوهشی باز نداشته است. توجیه این قضیه ساده است زیرا کسانی که جهت گیری عملی یا ذهنی به سمت اجرای طرح دارند موانع آن را بیشتر احساس یاد رک می کنند تا دیگران؛ این موضوع نشان می دهد که برای رونق بخشیدن به امر پژوهش لازم است موانع پژوهشی برطرف گردد. همچنین می توان

نتیجه گرفت که رفع موانع پژوهشی زمانی بیشترین تاثیر را در رونق بخشیدن به امر پژوهش به صورت اجرای طرح دارد که قبلا استادان جهت گیری ذهنی یا عملی به سمت اجرای طرح کرده باشند.

موانع اجرای طرح پژوهش در این تحقیق شامل پنج بعد مختلف بوده است که به صورت شاخص کلی محاسبه شده و شامل معرفیهایی به شرح زیر است:

ضوابط تصویب در دانشگاه، ضوابط ارائه طرح، ضوابط اجرای طرح، امکان عدم تصویب طرح، عدم منزلت تحقیق در جامعه علمی، مدیریت نامناسب پژوهشی، کمبود حق التحقیق، کمبود مواد و ابزار، کمبود منابع مکتوب، عدم آمادگی علمی، نداشتن همکار شایسته، عدم وقت کافی.

در مجموع نمرات معرفهای بالا نمره شاخص موانع را تشکیل داده است. کسانی که تمایل به طرح پژوهشی دارند این موانع را بیشتر از بقیه احساس نموده‌اند.

موانع اجرای طرح پژوهشی تحت تاثیر پایگاه اجتماعی است و منظور از این مفهوم معرفیهایی مانند سابقه خدمت، سن، مرتبه دانشگاهی، پایه دانشگاهی و محل اخذ مدرک است. این معرفها از طریق طبقه‌بندی هموزن شده و مجموع نمرات آنها بیان کننده پایگاه اجتماعی است. پایگاه اجتماعی هرچه بالاتر باشد احساس موانع پژوهش بیشتر است و ضریب تاثیر آن ۳۴ درصد است.

موانع اجرای طرح پژوهشی همچنین تحت تاثیر احساس زیانهای اجرای طرح می‌باشد که شامل این معرفهاست: مانند اشتغال ذهنی زیاد، زحمت مطالعه زیاد، عدم استراحت، عدم فراغت، عقب ماندن از زندگی، ز دست دادن استقلال، اداری شدن، زیان مادی، امکان تنزل حیثیت در صورت عدم تصویب طرح، امکان عدم موفقیت، فشار روحی، شرایط محیطی نامناسب و انزوا از محیط اجتماعی.

کسانی که موانع اجرای طرح پژوهشی را بیشتر احساس می‌کنند این زیانها را نیز بیشتر احساس کرده‌اند و ضریب تاثیر احساس زیان بر احساس مانع ۰/۴۵ است.

موانع اجرای طرح پژوهشی همچنین تحت تاثیر فوائد اجرای طرح پژوهشی است که شامل معرفهای زیر است:

خدمت به پیشرفت علم، خدمت به جامعه، کسب تجربه علمی، ابراز توانایی علمی، رضایت خاطر، تأمین مالی، کسب حیثیت اجتماعی، بهبود زندگی مادی، ارتقای مرتبه و کسب موفقیت. کسانی که این فواید را

بیشتر احساس کرده‌اند موانع اجرای طرح پژوهشی را نیز بیشتر احساس نموده‌اند و ضریب تأثیر آن ۵۹ درصد است.

احساس فواید اجرای طرح پژوهشی نیز تحت تأثیر احساس زیان اجرای طرح پژوهشی است؛ یعنی احساس فواید اجرای طرح پژوهشی را کسانی بیشتر دارند که احساس زیانهای آن را نیز بیشتر دارند. درواقع این افراد هم جریانه‌ها و هم فواید اجرای طرح را بیشتر از دیگران ذکر و محاسبه نموده و زمان اجرای طرح در نزد این افراد بیشتر است.

ضریب تأثیر زیانها بر منافع ۶۰ درصد است. درواقع توجه این موضوع نیز ساده است که همواره محاسبه سود با محاسبه زیان همراه است و تصمیم‌گیری افراد حاصل تفاضل این دو می‌باشد.

احساس فواید اجرای طرح تحت تأثیر تعریف پژوهش قرار دارد و ضریب تأثیر آن ۵۳ درصد است. تعریف پژوهش هرچقدر مثبت‌تر و جامع‌تر باشد احساس فواید بیشتری برای اجرای طرح پژوهشی به وجود می‌آید. تعریف پژوهش بیان‌کننده نگرشی است که استادان نسبت به فعالیتهای مختلف علمی به عنوان پژوهش دارند. این فعالیتها عبارتند از: اجرای طرح پژوهشی، همکاری با طرح پژوهشی، تألیف، ترجمه، کارهای میدانی و آزمایشگاهی، مطالعه، راهنمایی رساله و شرکت در سمینارها.

مدل تحلیلی بالا نشان می‌دهد که از میان عوامل مختلف نه گانه برای تبیین تمایل به اجرای طرح پژوهشی فقط تعداد پنج عامل اساسی در کنار بقیه بیشترین ارتباط و ضریب تأثیر یا تعیین را برای پیش‌بینی تمایل به اجرای طرح پژوهشی داشته است و عوامل دیگر در کنار این عوامل نتوانسته تأثیر تعیین‌کننده داشته باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اهداف فعالیت، باورهای مختلف استادان راجع به فعالیت علمی، تلاش برای افزایش توان علمی و نگرش به خصلتهای پژوهش در رشته علمی در کنار عوامل بالا تأثیر تعیین‌کننده بر تمایل به اجرای طرح پژوهشی نداشته است؛ اگر چه، همان طور که قبلاً نشان دادیم، تأثیر جداگانه و منفرد بر تمایل به اجرای طرح پژوهشی دارند.

تحلیل نظری نهایی

چارچوب نظری تحقیق تلفیقی از نظریه‌های کارکردگرایی ساختاری، کنش متقابل و رفتارگرایی بوده است و بررسیهای آماری و تحلیل علی نشان داد که تمایل به اجرای طرح پژوهشی توسط اعضای هیأت علمی

را می‌توان به عنوان کارکرد نظام سازمانی علمی، یعنی دانشگاه، در نظر گرفت، زیرا تمایل مزبور مشروط و مقید به شرایط و ضوابط سازمانی دانشگاه در ارتباط با اجرای طرح پژوهشی است. این شرایط گرچه بازدارنده نبوده است لیکن در تسهیل اجرای نقش پژوهشی تأثیر دارد. از سوی دیگر کنشگران علمی برای تصمیم‌گیری به اجرای طرح پژوهشی به محاسبه سود و زیان پرداخته‌اند و با وجود احساس زیان و احساس موانع، تمایل به اجرای طرح پژوهشی بدین معنا است که ارزش فواید منظور شده برای فعالیت پژوهشی بیشتر از هزینه زیانها و احساس موانع است. لذا کنش علمی بیشتر بر ارزشهای معنوی استوار است و انگیزه پژوهش بیشتر از درون نهاد علم سرچشمه می‌گیرد. و سرانجام، کنشگران علمی در فعالیتهای علمی خود به نمادهای علمی واکنش نشان داده‌اند، زیرا نگرش و تعریف آنها از فعالیت علمی به طور غیر مستقیم بر فعالیت علمی آنان تأثیر داشته است. تصمیم به اجرای طرح پژوهشی با تمایل به تعاریف مساعد از فعالیت علمی همراه بوده است، زیرا کسانی تمایل بیشتر به اجرای طرح پژوهشی نشان داده‌اند که این فعالیت را بیشتر به عنوان پژوهش تعریف نموده‌اند.

بنابراین کنش علمی را در سازمان اجتماعی علم می‌توان مانند کنشهای اجتماعی دیگر در نظامهای اجتماعی مورد تحلیل و توجیه قرار داد و کنشگران علمی تابع همان قواعدی برای رفتار هستند که سایر کنشگران در محیطهای گوناگون رفتار می‌کنند.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- بحرینی، محمد حسین (۱۳۴۷): «پژوهش در دانشگاه‌ها: تنگناها و راه حل‌ها»، پژوهش نامه خبری، سال دوم، شماره ۲.
- ۲- بخشی، محمد جواد (۱۳۷۲): «اسیمای آمار آموزش عالی ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، سال اول، شماره ۴.
- ۳- برگر، پترل، لوکمان، توماس (۱۳۷۵): ساخت اجتماعی واقعیت (رساله‌ای در جامعه شناسی شناخت)، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران، ناشر اندیشه های عصر نو.
- ۴- بن دیوید، جوزف (۱۳۷۱): تکوین و توسعه دانشگاه‌ها در غرب، ترجمه وهاب کریمی، دفتر دانش، سال اول، شماره ۲ و ۳.
- ۵- بن دیوید، جوزف و دیگران (۱۳۴۷): تحول دانشگاه‌ها در اروپا و آمریکا، ترجمه ناصر موفقیان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، شماره ۵۸.
- ۶- بوتول، گاستون (۱۳۷۰): تاریخ جامعه شناسی، ترجمه مژگان کیوان خسرو، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ۷- بینج، ترور (۱۳۷۰): نقش اجتماعهای علمی در پیشرفت علم، فصلنامه سیاست، علمی و پژوهشی، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- ۸- پهلوان، چنگیز (۱۳۵۸): در باره مؤسسات پژوهشهای اجتماعی ایران، تهران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- ۹- ترنر، جانانان، اج (۱۳۷۳): ساخت نظریه جامعه شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسانی زاده، شیراز، انتشارات نوید.
- ۱۰- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۱): در آمدی بر مذاهب و نظریه های جامعه سیاسی، مشهد، سر مریدیر.
- ۱۱- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۰): نظریه های جامعه شناسی، تهران، سمت، چاپ دوم.
- ۱۲- توکل، محمد (۱۳۷۰): جامعه شناسی علم، تهران، مؤسسه علمی و فرهنگی نص، چاپ اول.
- ۱۳- حقانی، احمد (۱۳۷۰): «پژوهش در علوم نظری»، فصلنامه سیاست، علمی و پژوهشی، سال اول، شماره ۲.
- ۱۴- رابرتسون، یان (۱۳۷۴): درآمدی بر جامعه (با تاکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کشش متقابل نمادی) ترجمه حسین بهروان، مشهد، به‌نشر.
- ۱۵- شورای پژوهشهای علمی کشور (۱۳۷۱): ساختار نظام تحقیقاتی کشور، تهران.
- ۱۶- معاونت پژوهشی دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۷۱): کارنامه پژوهشی سالهای ۷۰-۷۸، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۱۷- _____ (۱۳۷۵): کارنامه پژوهشی سالهای ۷۴-۷۱، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.
- ۱۸- _____ (۱۳۶۴): مجموعه مقالات نخستین سمینار بررسی مسائل پژوهشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۹- _____ (۱۳۶۹): کارنامه پژوهشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران.

۲۰- _____ (۱۳۷۰): کارنامه پژوهشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، تهران.

۲۱- _____ (۱۳۷۴): پژوهشنامه، شماره اول.

22-Ben – David , Joseph ,(1971) *The Scientist's Role In Society, A Comparative Study*. Prentice-Hall Inc. New Jersey.

23-Blalock, H.M.,(1971) *Ausal Models In The Social Sciences*, Macmillan, U. of Washington.

24-Cramer, Duncan and Alan Bryman, (1990) *Quantitative Data Analysis For Social Scientists*, Routledge, U.S.A.

25-International EncyclopediaOf The Social Sciences, 1968.

26-Kaplan,Abraham, (1964) *The Conduct Of Inquiry Methodology For Behavioral Science*, Chandler Publications U.S.A.

27-Kuhn, Thomas, (1962) *The Structure Of Scientific Revolutions*, Second Edition, England.

28-Merton, Robert K.(1973) *The Sociology Of Science, Theoretical And Empirical Investigations*, U. of Chicago Press.

29-Nachmias, David and Nachmias, Chava, (1976) *Research Methods In The Social Sciences*, St.Martin Press Inc. U.K.

30-Ritzer, George, (1983) *Sociological Theory*, Second Edition, Alfred A. Knopf Inc New York.

مشخصات مؤلف

حسین بهروان دارای درجه دکتری جامعه شناسی از دانشگاه تهران و دانشیار جامعه شناسی دانشگاه فردوسی مشهد است. از او اب بررسی انتقادی روشهای تحقیق در علوم اجتماعی به چاپ رسیده است. علائق پژوهشی او در زمینه های فرهنگ، روش شناسی سازمانهاست.

آدرس: گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، دانشگاه فردوسی مشهد

E-mail: behravan@ferdowsi.um.ac.ir